

«بسم الله الرحمن الرحيم»

آنالیز انسان ۱

حسن اخوان ارمکی

اخوان ارمکی، حسن
آنالیز انسان ۱ / نویسنده اخوان ارمکی. تهران: آهنگ صبح،

۱۳۸۳

ISBN 964-8577-10-2

۱۵۲ ص.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. انسان (اسلام) ۲. رفتار - الگوهای ریاضی ۳. انسان -

رفتارشناسی. الف. عنوان

۲۹۷/۴۶۶

BP ۲۲۶ ۲ / الف ۳۱۸

۸۳-۲۲۸۳۶

کتابخانه ملی ایران

انتشارات آهنگ صبح

نویسنده حسن اخوان ارمکی

قطع رقعی

تیراژ ۲۰۰۰

نوبت چاپ اول

تاریخ انتشار زمستان ۱۳۸۳

حروف چینی و صفحه آرایی ف. ممتازی

بهاء ۱۵۰۰۰ ریال

ISBN: 964 - 8577 - 10 - 2

شابک: ۹۶۴ - ۸۵۷۷ - ۱۰ - ۲

دفتر مرکزی: خیابان میرداماد، میدان محسنی، شاه نظری، فرجام، سپاهان،
خواجوی، پلاک ۱۸ واحد ۱۶ تلفاکس: ۰۹۱۲۱۴۶۶۸۱۶ - (۰۲۱) ۲۲۶۵۹۴۵

E.mail: mohsensanati2000@yahoo.com



نشر آهنگ صبح

فهرست

۷	پیشگفتار.....
۹	مقدمه.....
۱۴	بحث انسان در قرآن.....
۱۴	جهان بینی مذهبی (از دیدگاه جبریون).....
۱۷	عدد ۱.....
۱۷	لا اله الا الله.....
۲۸	توحید.....
۲۹	بی نهایت.....
۳۰	بی نهایت چیست؟ چیزی است بزرگ تر از همه اعداد طبیعی.....
۳۱	اعداد طبیعی.....
۴۱	استقراء.....
۵۳	زندان های انسان: اصول موضوع میدان (ادیان).....
۵۵	جبر طبیعت یا اصول موضوعه جمع.....
۵۹	جبر جامعه یا اصل موضوعه ضرب.....
۶۴	جبر تاریخ یا اصل موضوعه توزیع پذیری.....
۶۷	فرهنگ چیست؟.....
۷۱	جبر خویشتن یا اصل موضوعه ترتیب.....
۷۹	مهاجرت: تابع.....
۸۰	خواص کلی توابع.....
۸۴	انواع مهاجرت.....

۹۹	اعداد: انسان
۱۰۰	اعداد مختلط
۱۱۳	امامت چیست ؟
۱۲۰	خواص جبری اعداد مختلط
۱۲۸	مختصات دکارتی
۱۳۲	نامساوی مثلث:
۱۳۲	مختصات قطبی:
۱۳۷	توان ها و ریشه ها:
۱۴۳	خواص صفحه مختلط:
۱۴۹	نقطه در بی نهایت

پیشگفتار

در ادامه راه کتاب هندسه تاریخ و پیرو همان اندیشه در این کتاب (آنالیز انسان ۱) شناخت انسان آن هم با دیدگاه ریاضی واصل بحث اعداد مورد هدف است.

- ۱- آیا انسان دارای ویژگی هایی همانند عدد است؟
- ۲- آیا انسان با ادیان و بر اساس ادیان رشد می کند؟ اثبات این نظریه
- ۳- آیا با این قیاس (بین انسان و اعداد) چیزی حاصل می شود؟ کشف یک سری نتایج

۴- شناخت زندان های انسان

۵- کاربرد مهاجرت روی انسان

۶- شناخت انسان مسلمان (شیعه)

۷- بازشدن دری بسوی شناخت اعمال و کردار انسان (آنالیز)

* منابع، کلیه کتب در باب انسان شناسی قرآن مجید و انواع تفاسیر

آن، نهج البلاغه، مجموعه آثار شهید مطهری، دکتر شریعتی و علامه طباطبایی، عروج انسان برنوفسکی و کتاب انسان از آغاز تا آخر علامه طباطبایی (دکتر لاریجانی) کتب متفرقه در این باب در باب ریاضی کتب ریاضی عمومی سیلورسن، رودین، آنالیز رودین، متغیرهای مختلط و کاربرد آنها، از روئل و چرچیل و مبانی ریاضی *Lin-Lin* می‌باشند.

مقدمه

مسأله انسان مسأله بی نهایت مهمی است، چون اغلب جهان بینی‌ها مبنای مذهب خود را بر امانیسم، اصالت انسان و انسان پرستی گذاشته‌اند. هدف ما در این کتاب این است که با بررسی علمی انسانی، انسان را بهتر بشناسیم آن هم از دیدگاه جهان بینی توحیدی با زبان بدون نقص ریاضی و بالاخره مذهب اسلام که کامل ترین و آخرین و پربارترین دین است. ببینیم چگونه به انسان و این پدیده اندیشیده شده و او را معرفی کرده‌است. در تعریف انسان از مبتذل ترین تعاریف همچون انسان حیوانی ناطق، حیوانی ایده آل ساز، حیوانی ابزار ساز، حیوانی... استفاده شده است، و از طرفی دیگر کامل ترین تعاریف مثل انسان اراده متناقض لایتناهی عصیان گراز همت گریز، ایده آل خواه، مطلق طلب، خود آگاه و جهان آگاه، متعصب (به معنی واقعی تعصب)، انتخاب کننده، آفریننده آینده گرای، پرستنده (که این پرستنده از دلایل کلامی و فلسفی نیست، دلیل عینی و مشاهده پذیر است، یعنی در طول تاریخ و در همه ادوار تاکنون می بینیم در ذهن بعضی مذاهب خدا و (لااله الا الله) وجود ندارد اما پرستش هست) برای انسان

وجود دارد.

حالا چرا روی انسان این گونه تکیه می‌کنیم، چون تا انسان شناخته نشود نمی‌توانیم مذهب، جامعه، تمدن، هنر و... را بگوییم و بشناسیم و چگونه ممکن است برای کسی که نمی‌دانیم کیست خانه بسازیم و شکل زندگیش را تعیین کنیم.

پس شناخت مکتب بسته به شناخت افراد دارد، چرا که انسان یک موجود نیست، مجموعه امکانات مختلفی است که می‌تواند بشود. ما در حال ایجاد هستیم، هنوز موجود نشده‌ایم، در حال شدن هستیم، بنابراین خلقت انسان تمام نشده است، چون دارد آفریده می‌شود و تمام تاریخ، تاریخ گذشته و آینده ظرف زمانی است که انسان در آن تکوین می‌یابد، بنابراین موجود نیست، چرا که ابعادش نامعین است.

تعریف انسان غیر از تعریفی است که در قرون وسطی بیان می‌شد، چرا که مرکب از تن و روان است. انسان از تن استقلال دارد و یک تابع مطلق از تن نیست، همچنان که تابع مطلق از روان نیست. این دو در یکدیگر اثر دارند که به قول حکما «النفس و البدن تیعا کسان ایجابا و اعداداً» بدن در روان اثر می‌گذارد و روان در بدن و بدن کار مستقل از روان و روان هم کار مستقل از تن انجام نمی‌دهد. این خود دلیل بر این است که دستگاه روانی انسان خود یک دستگاه مستقل است، پس واقعاً ممکن است انسان از نظر روانی، بیمار و معیوب باشد، همچنان که ممکن است از این نظر سالم باشد. قرآن این اصل را پذیرفته است و می‌فرماید: «دل‌های آنها مریض است، پس خدا بر مرض (جهل و عناد) ایشان بیفزاید (این جمله نفرین خداست بر منافقین) و آنها راست عذاب دردناک، بدین سبب که دروغ می‌گویند (و

با اهل ایمان دورنگی و ریا و نفاق می‌کنند.» (بقره / ۱۰) پس انسان خودش برای خودش دروازه معنویت است.

انسانیت امری است و رای زیست‌شناسی، چرا که روح عدالت جوی انسان امروز آگاه شده است که سرمایه داری، پول را جانشین خدا کرده است و تولید را جانشین توحید و اقتصاد را به جای عشق نهاده است و قدرت را به جای حقیقت و لذت را به جای کمال و سلطه بر طبیعت را به جای سلطنت بر خویش. قانون جنگلی که وارث هزارها سال فرهنگ و تمدن و قانون و حقوق می‌شود و رابطه‌ها رابطه گرگان و سگانی که بر مرداری هجوم برده‌اند و این بر آن مخاب می‌کشد و آن بر این منقار. زندگی کردن برای مصرف، قربانی کردن آسایش برای ساختن و خریدن وسایل آسایش و در نهایت انسان پرستنده، پرستنده کمال، ارزش‌ها، زیبایی‌ها، مطلق، خیر، بینایی، آفرینندگی، جود، بلکه پرستنده دو چیز:

(۱) سرمایه (۲) سکس

آگاه از اینکه آدمی اکنون بیگانه پول می‌شود و دیوانه لذت و بنده مصرف. مسخ فطرت بندگی و جنون در پست‌ترین و فنگین‌ترین شکلش یعنی دور و تسلسلی پوچ و بی‌محتوا.

آقای برونوفسکی در عروج انسانش می‌گوید: «در حال حاضر ما در آستانه حصول به دانشی فوق العاده قرار داریم، البته عروج انسان همواره در تغادلی ناپایدار قرار دارد و هنگامی که بشرگامی تازه در این راه برمی‌دارد، امکان اینکه جهتی نادرست را انتخاب کرده باشد، وجود دارد. در کدام جهت باید پیش برویم؟ بی شبهه می‌توان گفت که ما باید تمام دانشی را که

اندوخته‌ایم بخصوص در زمینه‌های فیزیک و زیست‌شناسی روی هم بگذاریم تا بفهمیم به کجا رسیده‌ایم و اصولاً انسان و انسانیت چه مفهومی دارد.

او همچنین می‌نویسد: «دانش کتابچه‌ای نیست که در هر ورق آن حقیقت‌هایی جزئی نگاشته شده باشد، قبل از هرچیز، دانش با احساس مسئولیت همراه است، مسئولیت در باره آنچه هستیم و مسئولیت اخلاقی درباره افکار و رفتارمان. نمی‌توانید اجازه دهید که دیگران دنیا را برایتان اداره کنند و با توده‌ای از اعتقادات منسوخ در کنج تنهایی زندگی کنید و ادعا کنید که مسئولیتی ندارید. در دنیای امروز، این امر حائز اهمیت است. بدیهی است که ترغیب مردم به فراگرفتن معادلات دیفرانسیل یا اسم‌نویسی در کلاس‌های الکترونیک کاری بیهوده نیست. لکن اگر تا پنجاه سال دیگر درکی کلی و عمیق از منشأ انسان، سیر تکاملی و تاریخ ترقی او در کتاب‌های دبستانی یافت نشود، انسان وجود نخواهد داشت. متدرجات کتب دبستانی آینده ماجراهای علمی هیجان‌انگیز امروز را تشکیل می‌دهند، ماجراهایی که ما نیز در آن سهمی ایفا می‌کنیم.»

برونوفسکی نیز می‌گوید: «با تأسف بسیار باید اقرار کنیم که دنیای غرب تا اندازه زیادی خود را باخته است. به نظر می‌رسد که تمدن غربی از دانش دست کشیده است و به جهت‌های دیگری متمایل می‌شود. چه جهاتی؟ به عنوان مثال می‌توان اعتقادات مذهبی بودایی را نام برد، یا سؤالهایی که فقط در ظاهر عمیق به نظر می‌رسد، مثلاً آیا در حقیقت وجود ما چون حیوانات دیگر نیستیم. توجه زیاد مردم به مسائلی چون درک ماورای احساسی و اسرار ماوراء الطبیعی مبین این نظریه می‌باشد. این

مسائل هم سطح مسائلی نیست که اگر به آنها پردازیم قطعاً موفق به حلشان گردیم، مسائلی چون درکی عمیق از خود بشریت. وجود ما در حقیقت تنها آزمایش طبیعت برای اثبات برتری منطق بر واکنش غیرارادی است. دانش سرنوشت ماست. شناخت که خود هم از تجربیات هنری و هم از تشریحات علمی مدد گرفته است، موفقیتی است که در آینده انتظارمان را می‌کشد.^۱

علم وقتی نجات دهنده آدمی و مکتب ایده آل علمی است که انسان را بسازد و به قول الکسیس کارل هم زیبایی عالم و هم زیبایی خدا را بشناسد و هم قادر به فهم سخن پاسکال و دکارت باشد تا اینکه همه بدانیم چگونه باید زندگی کنیم، چنانکه الان می‌دانیم!

به قول ماکس پلانک «لازمه رسیدن علم به حقیقت ابتدا ایمان و سپس تقواست» چرا که الیناسیون انسان به وسیله پول و زهدگرایی است.

پیامبران چه زیبا با این هردو مبارزه کرده‌اند، چون پول انسان را خبط الشیطان می‌کند و زهدگرایی ارزش‌ها را در درون انسان می‌میراند.

حالا متوجه می‌شویم که اگر نفهمیم انسان چیست، چه باید باشد، یعنی اعتقاد روشن و مورد اتفاق برای حقیقت انسان نداشته باشیم، همه تلاش‌های ما برای اصلاح فرهنگ، آموزش و پرورش و اخلاق و روابط اجتماعی همه بیهوده است.

۱- تمام نهج البلاغه اخصاً خطبه‌های ۱ و ۱۲ و ۱۷ و ۲۸ و ۳۸ و ۳۵ و ۵۰ و ۷۹ و ۸۳ و ۸۶ و

همانند باغبانی است که روش های پیوند زدن، وجین کردن، باغداری و گیاه شناسی را به حد اعلای علم امروز می شناسد، اما به نوع درختی که غرس می کند و اینکه جامعه او نیازمند چه نوع میوه ای است نمی اندیشد.

بحث انسان در قرآن

انسان در قرآن با دو کلمه نشان داده شده است: ۱- بشر ۲- انسان.

«انا بشر مثلكم» و گاه «خلق الانسان عجولاً»

اختلاف بین کلمه بشر و انسان در این است که وقتی می گوید بشر، مقصود همین حیوان دوپایی است که در آخر سلسله تکاملی موجودات بر روی زمین آمده است که همین شش میلیارد و اندی جمعیت کره زمین هستند و وقتی می گوید انسان، مقصود آن حقیقت متعالی غیرمادی و معماگونه است که تعریفی خاص دارد و در آن تعریف، دیگر پدیده های طبیعت نمی گنجد.

جهان بینی مذهبی (از دیدگاه جبریون)

تصویری از هستی که آن هستی مثل یک کشور، مثل یک سازمان تحت نظارت یک قدرت قاهر در آن بالا اداره می شود و چرخ عالم را می چرخاند. سیارات و اشکال و اشیاء و آدم ها و... به دست اوست و هرچه او می خواهد، نه آن جور که ما می خواهیم به انجام می رسد. پس در این نظام، جهان بینی مذهبی انسان پوچ است، همچنان که در جهان بینی مادی،

انسان پوچ است و هیچ کس ندارد. در هر دو انسان بازیچه‌ای برای ماده یا خدا و خدایان بوده است.

هم مترقی‌ترین و علمی‌ترین و انسان دوستانه‌ترین (امانیست‌ترین و منطقی‌ترین) جهان بینی‌ها و هم منحط‌ترین و ضد انسانی‌ترین و نیرومندترین عامل و شخصیت و اصالت انسان، در جهان بینی مذهبی است. این دو قضاوت متناقض درباره مذهب از کجا آمده است؟ از دو جای متناقض:

(۱) Zp همان گذشته تاریخی که مذهب منفی، ضدانسانی و منحط بوده است.

(۲) ادیان الهی بدون ابهام و نقص مثل یهودیت و مسیحیت Q و R آخرین و کامل‌ترین آنها یعنی C (اسلام)

پس ما به عنوان انسان آنچنان هستیم که جهان را می‌بینیم و به قول سارتر، هرکسی آنچنان زندگی می‌کند که جهان را می‌شناسد. مثلاً اگر کسی توحیدش را خدای واحد در نظر بگیرد، آن وقت نبوتش پیامبران عظیم الشان و رهبرش امامان معصوم و همه اعمالش برپایه عدالت و در نهایت معادش روز رسیدگی به پرونده و گرفتن اجر و پاداش خواهد بود. و اگر کسی توحیدش را پول بداند، پیامبرش را خانه، ماشین، چک، سفته، سند... و امامش خانم خانه و عدالتش آشپزخانه و معادش....

گفتگوی کفر و دین آخر به یک جا می‌رسد.

دارد مختلف تعبیرها

خواب یک خواب است